



ماجرای ملی شدن نفت در آخرین روز سال / صنعت ملی نفت 63 ساله شد

صنعت نفت و گاز ایران برای شصت و سومین سال پی در پی ملی شدن خود را جشن می‌گیرد که این پیشران اقتصادی در سال‌های اخیر با فراز و فرودهایی دست و پنجه نرم می‌کند.

صنعت نفت و گاز ایران برای شصت و سومین سال پی در پی ملی شدن خود را جشن می‌گیرد که این پیشران اقتصادی در سال‌های اخیر با فراز و فرودهایی دست و پنجه نرم می‌کند.

به گزارش خبرنگار مهر، وقتی مته حفاری "جرج برنارد رینولدز" دل پر عطوفت خاک مسجد سلیمان را شکافت و فوران نفت با شادمانی بی حد و حصر داری همراه شد، او از شوق، چنان فریادی کشید که حتی دولتیان لندنی هم صدایش را شنیدند.

حال یکصد و چهار سال از فریادهای شادمانه داری می‌گذرد و پس از گذشت یک قرن هنوز در میان تحلیلگران و سیاستمداران در رابطه با حضور طلای سیاه در سفره اقتصادی ایران اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد.

عده ای "نفت" را بلای آسمانی و گروهی "نفت" را نعمت خدادادی عنوان می‌کنند اما صنعت نفت در دوران پس از پیروزی انقلاب به صنعتی توسعه آفرین و مولفه ای برای رشد و شکوفایی اقتصادی تبدیل شد.

در حال حاضر با گذشت 63 سال از ملی شدن صنعت نفت ایران در آخرین روز سال، صنعت نفت به عنوان لوکوموتیو توسعه صنایع و پیشران اقتصاد کشور با فراز و فرودهای متعددی روبرو است.

البته ایران با در اختیار داشتن بیش از 33 تریلیون مترمکعب ذخایر گاز طبیعی و 157 میلیارد بشکه ذخایر نفت خام بزرگترین دارنده مجموع ذخایر هیدروکربوری جهان است و قطعا تا یک قرن آینده و همزمان با اتمام ذخیره نفت و گاز جهان، هیدروکربور برای تولید و صادرات در اختیار دارد.

خیمه نفتی انگلیس بر صنعت نوپای نفت ایران

به دنبال تحولات سیاسی - اقتصادی جهان پس از جنگ جهانی دوم و تغییر شرایط قراردادهای نفتی در جهان، در ایران نیز زرمه‌های لزوم تجدید نظر در امتیازات اعطا شده اوج گرفت.

تا آن زمان قرارداد 1312 شمسی که میراث دار قرارداد نفتی داری به حساب می‌آمد، سرنوشت نفت ایران را رقم می‌زد و براساس آن انگلستان بر روند استخراج و تولید از منابع هیدروکربوری ایران حاکم بود، اما با اصل تقسیم منافع (50 - 50) که پس از جنگ در اکثر کشورهای خاورمیانه مد نظر قرار گرفت، تداوم چنان شرایطی برای ایرانیان قابل قبول نبود.

آنچه قوانین جدید پس از جنگ را از نظام و قوانین پیشین متمایز می‌ساخت، کنترل کشورها بر منافع نفتی خود نبود، بلکه باتوجه به دو قطبی شدن جهان، بلوک غرب برای حفظ منطقه نفوذ خود ناچار بود امکان تجدید نظر در معاهدات پیشین را فراهم سازد، به این معنی که کشورهای صاحب منابع به ظاهر می‌توانستند با تسلط بر ذخایر نفتی خود و تقسیم عادلانه منافع با شرکت‌های خارجی و البته غربی، قرارداد امضا کنند.

واگذاری امتیازهای نفتی در دوران حکومت پادشاهان قاجار

سابقه قراردادهای نفتی ایران به سال 1250 شمسی باز می‌گردد. در آن زمان ناصرالدین شاه امتیاز بهره‌برداری از معادن نفت را به "بارون جولپوس دو روتتر" به مدت 70 سال واگذار کرد. در ماده یازدهم قرارداد، پترول نیز که در آن زمان به نفت اطلاق می‌شد، در ردیف واگذاری زغال‌سنگ، آهن، مس و سرب قرار گرفته بود.

در سال 1281 شمسی مظفرالدین شاه (شاه وقت ایران) امتیاز اکتشاف، استخراج، بهره‌برداری و فروش نفت در سراسر کشور به جز پنج ایالت شمالی آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان و خراسان را به مدت 60 سال به ویلیام ناکس داری، انگلیسی واگذار کرد.

بر اساس ماده 10 قرارداد داری که حاکم بر روابط شرکت نفت و دولت مرکزی ایران بود، شرکت ایران و انگلیس باید حدود 16 درصد از منافع خالص نفت را به عنوان حق امتیاز به دولت ایران پرداخت می‌کرد، اما انگلیسی‌ها حتی حاضر به پرداخت این مبلغ ناچیز هم نشدند و از ابتدای فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران، همواره کشمکش بر سر محاسبه سود خالص و حق امتیاز وجود داشت. این موضوع بیشتر به شفاف نبودن حساب‌ها و ناتوانی ماموران دولتی ایران از فهم اطلاعات مالی شرکت ناشی می‌شد.

پس از اشغال ایران توسط انگلیس و شوروی سابق و پس از آن آمریکا در جنگ جهانی دوم، رقابت استعمارگران بر سر منافع به‌ویژه نفت تشدید شد، ولی دولت انگلستان به منظور حفظ سلطه‌اش بر نفت جنوب و جلوگیری از استیفای حقوق ملت ایران با مقامات وقت کشورمان وارد مذاکره شد تا قراردادی را به تصویب برساند که در این راستا قرارداد 1933 را مورد تایید و تاکید قرار داد.

در پی الحاق به قرارداد 1933 که به قرارداد "گس-گلشایان" مشهور شد، مخالفت‌ها و اعتراض‌های شدیدی از سوی برخی از نمایندگان، سران و افراد آگاه اجتماع را در پی داشت. به طوری که آیت الله کاشانی نیز اعلامیه شدید اللحنی علیه شرکت نفت صادر کرد و در آن خواستار لغو امتیاز این شرکت در ایران شد.

مجلس شانزدهم در 20 بهمن 1328 شمسی آغاز به کار کرد و دولت وقت آن زمان به دلیل عدم رای اعتماد در 27 اسفند ماه همین سال ساقط شد و علی منصور به خواست سفارت انگلیس بر شاه تحمیل و مامور تشکیل کابینه شد.

ماجرای ملی شدن صنعت نفت در آخرین روز سال

پس از به وجود آمدن زمزمه‌هایی در مجلس درمورد ملی شدن صنعت نفت، رزم آرا - نخست وزیر وقت ایران - در جلسه خصوصی مجلس شرکت کرد و به شدت علیه ملی شدن نفت، سخن گفت و ملی کردن صنعت نفت را خیانتی بزرگ دانست.

در آن زمان نهضت مردمی به همراه برخی از نمایندگان مجلس برای ملی شدن نفت تلاش کردند. در نهایت رزم آرا توسط فداییان اسلام از بین رفت و از طرف دیگر، نتیجه کمیسیون نفت این شد که قرارداد الحاقی گس گلشایان باطل شود و نتیجه پیشنهاد جایگزین آن در روز 29 اسفند ماه سال 1329 که به تصویب مجلس رسید، این شد که صنعت نفت در سراسر ایران ملی اعلام شود.

پس از به نخست وزیری رسیدن محمد مصدق در اردیبهشت 1330 شمسی، اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سرلوحه برنامه دولت قرار گرفت. با تصویب این قانون شرکت سابق نفت ایران و انگلیس خلع ید و صنعت نفت ایران ملی اعلام شد.

دولت بریتانیا آبروی خود را در خطر دید. پس از آن که تمام تلاش‌ها و ابتکارات سیاسی و دیپلماتیک ناکام ماند، لندن به این نتیجه رسید که تنها چاره کار خارج شدن مصدق از صحنه است. دولت بریتانیا توانست دوايت دیوید آیزنهاور - رئیس جمهور آمریکا - و دولت او را هم قانع کند که اگر دولت مصدق سرنگون نشود، ایران به مرکز کمونیسم تبدیل خواهد شد. کودتایی توسط دفتر مرکزی اطلاعات آمریکا (سی.آی.ای) و همتای بریتانیایی‌اش (MI6) طرح‌ریزی شد.

اولین طرح کودتا شکست خورد و شاه ایران را ترک کرد، اما روز 28 مرداد دولت مصدق ساقط شد و شاه تاج و تخت خود را باز یافت.

متعاقب کودتای ننگین 28 مرداد 1332 و انعقاد قرارداد تحمیلی 1333 شمسی با کنسرسیومی متشکل از 16 شرکت نفت اروپایی و آمریکایی، صدور نفت توسط آن شرکت‌ها آغاز و عملاً قانون ملی شدن صنعت نفت نادیده گرفته شد.

پس از این واقعه باز مردم ایران حضور خواهران نفتی شامل (بریتیش پترولیوم کمپانی لیمیتد، شل پترولیوم ان.وی، گلف اویل کورپوریشن، موبیل اویل کورپوریشن، استاندارد اویل کمپانی اوکالیفرنیا، تکزاکو این کورپوریتد، کمپانی فرانسزد پترول) و تشکیل کنسرسیومی جدید را در تاریخ هفتم آبان ماه 1333 شاهد بودند.

شرکت‌های گروه ایریکن نیز در نهم اردیبهشت 1344 به کنسرسیوم ملحق شدند. شرکت‌های عضو کنسرسیوم نفت ایران دو شرکت به نام‌های "شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران" و "شرکت سهامی تصفیه نفت ایران" تشکیل دادند که در کل "شرکت‌های عامل نفت ایران" نامیده شدند.

کمیسیون مخصوص نفت چه بود؟

در مسیر ملی شدن صنعت نفت، کمیسیون مخصوص نفت متشکل از 18 عضو بود که پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را در اسفند 1329 به مجلس ارائه کرد. کمیسیون مخصوص نفت یا کمیسیون نفت در اول تیر ماه سال 1329 (در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ایران) برای رسیدگی به لایحه نفت (معروف به قرار داد الحاقی گس گلشائیان) تشکیل شد.

این کمیسیون پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را در اسفند 1329 به مجلس ارائه داد که در آن دکتر مصدق، دکتر علوی، ناصر ذوالفقاری، جواد گنجه‌ای، فقیه زاده، اللهیار صالح، حسین مکی، خسرو قشقایی، سرتیپ‌زاده، جمال امامی، جواد عامری، دکتر نصرت‌الله قاسمی، حائری‌زاده، عبدالرحمت فرامرزی، دکتر محمدعلی هدایتی، دکتر شایگان، میر سید علی بهبهانی و پالیزی عضویت داشتند.

متن پیشنهادی و قانون تصویب شده ملی شدن صنعت نفت

قانون ملی شدن صنعت نفت در واقع پیشنهادی بود که با امضای همه اعضای کمیسیون مخصوص نفت در مجلس شورای ملی، روز 17 اسفند 1329 به مجلس ارائه شد. متن پیشنهادی و تصویب شده این قانون به شرح زیر است:

«به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تامین صلح جهانی، به امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرارگیرد.» مجلس سنا نیز این پیشنهاد را در 29 اسفند 1329 تصویب کرد و نفت ایران به طور رسمی ملی شد.

این واقعه هر اندازه که برای ملت ایران نشانه پیروزی و استقلال بود، برای دولت بریتانیا، علامت از دست دادن منافع گسترده این کشور استعماری بر منافع نفتی خاورمیانه بود و لندن‌نشینان بیم آن داشتند که به عنوان الگویی از سوی سایر کشورهای تحت سلطه انگلستان مورد استقبال قرار گیرد.

از این رو دولت مزبور درصدد برآمد برای استیلای مجدد خود بر منابع نفتی ایران، آشکارا با نهضت ملی شدن نفت مخالفت کند، بنابراین در قالب یادداشت‌هایی، مخالفت مستقیم خود را با اراده مردم ایران اعلام کرد. دولت ایران نیز در مقابل دریافت این یادداشت‌ها، بر اعمال حق حاکمیت خود اصرار ورزید و دولت انگلستان را به عدم مداخله در امور کشور فرا خواند.

با این وجود پس از گذشت 60 سال از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران، همچنان فشارهای بین‌المللی برای مقابله با استقلال ایران ادامه دارد؛ اگرچه تلاش آنها به نتیجه نرسیده و شرکت‌های ایرانی با رشد قابل توجه‌ای پیشرفت کرده‌اند.

در شرایط فعلی با وجود افزایش تحریم برخی از سلطه‌گران ملی بیش از 70 درصد از تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت توسط سازندگان ایرانی ساخته می‌شود و برنامه‌ریزی شده تا با افزایش توان نیروهای متخصص ایرانی، این رقم در پایان برنامه پنجم توسعه به بیش از 90 درصد افزایش پیدا کند.